

## مدیر آژانس هواپیمایی اعتراف کرد

## سلاخی مسافر زن در لانه شیطانی!

متمم: او را با تیغ موکت بری کشتم و با کمان اره مثله کردم!

**سید خلیل سجاد پور** - مدیر یکی از آژانس های هواپیمایی مشهد که به اتهام قتل فجیع یک زن جوان دستگیر شده است، عصر روز گذشته به جنایت در لانه شیطانی اعتراف کرد و گفت: آن زن را برای جلوگیری از آبروریزی کشتم و با کمان اره سلاخی کردم!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح سه شنبه گذشته پیکر مثله شده زن جوانی در گاری زباله های شهرداری در حالی کشف شد که هر قطعه ای از این جسد درون پلاستیک های مشکی قرار داشت اما در عین حال برخی از اندام های زن جوان مانند دست های وی درون کیسه های زباله نبود و عامل یا عاملان جنایت پوست بدن وی را نیز سلاخی کرده بودند. به دنبال اعلام این خبر به قاضی ویژه قتل عمد مشهد، بی درنگ قاضی دکتر صادق صفری به همراه گروهی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم بولوار ابوطالب ۶۲ شد و به تحقیق در این باره پرداخت. بررسی مقدماتی با توجه به آثار باقی مانده در کنار بقایای جسد نشان می داد که ماجرا به مسائل خاص و غیر اخلاقی ارتباط دارد. در همین حال یک دستگاه گوشی تلفن به همراه کارت بانکی نیز درون گاری زباله پیدا شد که اولین سر نخ ها را برای شناسایی هویت زن جوان به دست کارآگاهان داد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است، اهمیت و حساسیت موضوع موجب شد تا با تاکید سر دار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) پیگیری و ریشه یابی دقیق این جنایت وحشتناک را گروه ورزیده ای از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به عهده بگیرند. به همین دلیل تحقیقات مقدماتی از همان ساعات اولیه صبح با راهنمایی ها و دستورات محرمانه مقام قضایی آغاز شد.

ردیابی های اطلاعاتی با بهره گیری از فناوری

های نوین پلیسی بیانگر آن بود که زن جوان (مقتول) «صبا» نام دارد و آخرین بار از یک فروشگاه (سوپرمارکت) در منطقه احمدآباد خرید کرده است.

با کشف روزنه ای جدید در این پرونده و استعلام های تخصصی که بر هویت واقعی زن جوان مهر تایید می زد، بررسی های پلیسی وارد



پلیسی - قضایی، ماجرای مشکوک «وحید» مدیر شرکت هواپیمایی) را به قاضی دکتر صفری گزارش داد و دستورات خاصی را برای ادامه تحقیقات و دستگیری مظنون به جنایت دریافت کرد.

از سوی دیگر گروهی از کارشناسان و کارآگاهان آگاهی مشغول تحقیق درباره محل زندگی مقتول و گذشته او در بولوار شهید مفتح در قوی طلاب مشهد بودند و همه سرخ های این معمای جنایی در حالی به شرکت هواپیمایی می رسید که مدیر شرکت سعی داشت زخم های کف دستش را از دید کارآگاهان پنهان کند. حالا دیگر مهر اتهام روی پیشانی مرد ۴۲ ساله خودنمایی می کرد که کارآگاهان به منظور رعایت موازین شرعی او را با شگردی خاص از دفتر هواپیمایی بیرون کشیدند و دست بندها قانون را بر دستانش حلقه زدند.

«وحید» که خود را از این اقدام کارآگاهان متعجب نشان می داد به جزئیات بیشتری از آشنایی خود با «صبا» اشاره کرد و گفت: او از چند سال قبل وقتی به یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس سفر کرد در مدت قانونی به ایران بازنگشت و طبق قانون شرکت هواپیمایی ما جریمه هنگفتی را پرداخت کرد اما زمانی که با او تماس گرفتم مدعی شده به دلیل مسائل غیر اخلاقی دستگیر و در آن کشور زندانی شده است. او بعد از گذشت چند سال از این ماجرا دوباره به دست گل و جعبه شیرینی به این جا آمد تا از من دلجویی کند! من هم پذیرفتم و بعد از آن که آژانس را تعطیل کردم از من پرسید مسیر شما کجاست؟ به او گفتم من تا بولوار ابوطالب می روم! او سپس درخواست کرد تا با من همراه شود چرا که مقصد او نیز بولوار ابوطالب بود. من هم برای آن که ثابت کنم دیگر دلخوری از این مشتری ندارم، او را سوار کردم و در مقصد پیاده شد.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، با این اظهارات و کشف اجزای مثله شده جسد در ابوطالب ۶۲، هر لحظه کارآگاهان به حقیقت ماجرا نزدیک تر می شدند اما متهم مدعی بود از وقتی که مسافرن زن را از خودروی پر اید پیاده کرده، دیگر اطلاعی از وی ندارد. به همین دلیل دقایقی بعد قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب دستورات ویژه دیگری را برای انجام تحقیقات با شگردهای تخصصی صادر کرد و بدین ترتیب متهم در محصره

تناقض گویی هایی افتاد که درباره زن جوان بر زبان می راند.

از سوی دیگر نیز او هر بار درباره زخم های کف دستش قصه ای سرهم می کرد که برای کارآگاهان باورپذیر نبود. بالاخره مرد ۴۲ ساله که ۴۲ کیلو وزن نیز دارد به اتاق بازجویی های فنی هدایت شد و داستان زن مسافر را از ابتدا با گو گو ردولی نتوانست برای عزیمت

های ما به نتیجه نمی رسید و همه نامه نگاری آن زن (صبا) فکر می کرد من قصد ندارم کار او را برای سفر درست کنم! چون قوانین آن کشور به خاطر محکومیت غیر اخلاقی او اجازه سفر نمی داد. رفت و آمدهای او ادامه داشت تا این که روز حادثه با من همراه شد و به این خانه مجردی آمدم در این شرایط و اتفاضای دیگری



متمم: من هم به شدت مخالفت کردم اما او

متمم: من هم به شدت مخالفت کردم اما او

به بولوار ابوطالب مشهد دلیل محکمی ارائه کند. در این لحظه بود که از یک «لانه مجردي» سخن راند و گفت: من در بولوار حر عاملی خانه مجردي دارم که گاهی برای مصرف مواد مخدر به آن جامی روم!

کارآگاهان که گویی منتظر این جمله بودند، بی درنگ با قاضی صفری تماس گرفتند و ماجرای «لانه شیطانی» را توضیح دادند. قاضی ویژه قتل عمد مشهد که دیگر یقین داشت جنایت در همان منطقه رخ داده است خود نیز در کنار کارآگاهان عازم لانه شیطانی در بولوار حر عاملی (در نزدیکی بولوار ابوطالب) شد. وقتی مرد ۴۲ ساله در واحد مسکونی را گشود ناگهان لکه هایی از خون در تیرس نگاه مقام قضایی قرار گرفت که از چشمان متهم پنهان مانده بود.

از سوی دیگر کمان اره آهن بری در محل کشف شد که تیغه آن جدا شده بود. مدیر شرکت هواپیمایی که حالا در تنگنای یک پرونده جنایی دست و پا می زد دیگر چاره ای جز بیان حقیقت نیافت و در حالی که تقاضای یک نخ سیگار می کرد لب به اعتراف گشود. او گفت: پس از آن که چند هزار درهم جریمه برای آن زن به کشور خارجی پرداخت کردم او برای دلجویی نزد من آمد اما این موضوع مربوط به حدود دو سال قبل بود. او می خواست دوباره به آن کشور سفر کند ولی بررسی های مانشان داد که او تا پنج سال حق ورود به آن کشور خارجی را ندارد. اورفت و بعد از دو سال دوباره بازگشت ولی نمی دانم چرا باز هم استعلام

داشت و من هم به شدت مخالفت کردم اما او تهدیدم کرد که به شرکت هواپیمایی می رود و آبروی مرا می برد! من هم که از این جمله او بسیار عصبانی شده بودم ناگهان تیغ موکت بری را برداشتم و در حالی که از پشت سر موهایش را گرفته بودم گلویش را بریدم. خون فوار زد و او خودش را در آینه دید و فریاد زد این چه کاری بود؟ و سپس به طرف پله ها گریخت. من هم برای جلوگیری از آبروریزی دوباره او را گرفتم و به داخل پذیرایی کشیدم. بعد هم آن قدر با تیغ به گلو و سرش زدم که دیگری بی جان افتاد بعد هم مقدار کمی مصرف کردم و به طرف شرکت هواپیمایی رفتم که آن را تعطیل کنم! زمانی که به خانه بازگشتم نمی توانستم جسد را حمل کنم چون خیلی سنگین بود و من هم جثه ضعیفی داشتم این بود که به یک ابزار فروشی رفتم و با خرید تیغه اره به خانه برگشتم. کمان اره را در خانه داشتم فقط تیغه را روی آن نصب کردم و جسد او را تکه تکه کردم تا بتوانم اجزای آن را حمل کنم. قسمتی از گوشت ها و پوست او را با تیغه موکت بری جدا کردم و آن ها را درون پلاستیک ها گذاشتم بعد هم آن ها را شبانه با پر اید به ابوطالب ۶۲ بردم و درون گاری زباله انداختم و به منزل رفتم.... گزارش روزنامه خراسان حاکی است، در پی اعتراضات متهم در حضور قاضی دکتر صادق صفری، وی با صدور قرار قانونی بازداشت شد تا بررسی های بیشتری توسط سروان منفرد (افسر پرونده) برای کشف زوایای پنهان این جنایت هولناک صورت گیرد.

## یک کشته و ۴ مجروح در برخورد ۲ پراید

**توکلی** - برخورد خودروی پراید در محور زرنند - باقی، یک کشته و چهار مجروح به جا گذاشت. به گزارش خراسان، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: پس از اطلاع گزارشی به مرکز پیام اورژانس ۱۱۵، مبنی بر برخورد دو دستگاه پراید با یکدیگر در جاده زرنند - باقی که ساعت ۲۲ و ۴۹ دقیقه جمعه شب اتفاق افتاد، عوامل امدادی اورژانس با سه دستگاه

محرور زرنند - باقی، یک کشته و چهار مجروح به جا گذاشت. به گزارش خراسان، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: پس از اطلاع گزارشی به مرکز پیام اورژانس ۱۱۵، مبنی بر برخورد دو دستگاه پراید با یکدیگر در جاده زرنند - باقی که ساعت ۲۲ و ۴۹ دقیقه جمعه شب اتفاق افتاد، عوامل امدادی اورژانس با سه دستگاه

دختر تهرانی پس از زبوده شدن، جسدش در بوستان ولایت پیدا شد. در این خصوص ماموریت ویژه به دستور باز پرس ویژه قتل تهران صادر شد. به گزارش عرشه آنلاین، ۱۱ آبان امسال پدر و مادر عرفان و صابره زبوده شدن این دو کودک از خانه شان واقع در جنوب تهران را به ماموران پلیس گزارش دادند. مادر دو کودک در توضیح نحوه زبوده شدن فرزندانش به پلیس گفت: «وسط روز در خانه با فرزند نام تنها بودم که دو خانم ناشناس مقابل در خانه مان آمدند. آن ها خودشان را نیکوکار معرفی کردند و گفتند از طرف یک موسسه خیریه مراجعه کرده اند و با شناسایی

خانواده های بی بضاعت اقدام به خرید کفش برای کودکان خردسال می کنند. بعد از من خواستند یک جفت کفش فرزند نام را به آن ها نشان بدهم تا از روی آن شماره کفش را ببینند. من به داخل خانه رفتم و لای در باز بود که یک دفعه آن ها داخل خانه آمدند و در چشمم به هم زدنی فرزند نام را بغل ردی از دختر خردسال ۳ ساله به نام صابره و برادر ۵ ساله اش به نام عرفان آغاز شد. در همین حال فردی با صدایی که قابل شناسایی نبود با پدر و مادر کودکان خردسال تماس می گیرد و از آن ها تقاضای یک میلیارد پول نقد می کند. تا

این که پیکر نیمه جان صاحبه و عرفان در بوستان ولایت پیدا شد و با گزارش مردمی نیروهای پلیس و امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند. دختر خردسال قبل از رسیدن به بیمارستان بهار لوجان خود را از دست داد و به قتل رسید و عرفان نیز با حال وخیم در بیمارستان بستری و چند ساعت بعد ترخیص شد. به این ترتیب رسیدگی به پرونده قتل در دستور کار محمد تقی شعبانی، باز پرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. بررسی های اولیه حکایت از آن دارد که علت مرگ صاحبه خفگی یا خوراندن مواد مخدر است اما هنوز علت دقیق مرگ مشخص نیست.

## آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

**دستگاه مناقصه گزار:** شهرداری آمل  
**منابع تامین اعتبار:** اعتبارات داخلی شهرداری  
**موضوع مناقصه:** پروژه جابجایی دو خط لوله انتقال ۸۰۰ چدن داکتیل و ۶۰۰ آریست واقع در محور هزار روبروی پست الفدیر  
**مبلغ برآورد:** ۲۷/۸۴۲/۲۴۵/۰۰۰ ریال  
**نوع تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانت نامه بانکی در وجه شهرداری آمل و یا وجه نقد به حساب شماره ۰۱۵۷۸۶۲۴۶۰۵، بنام شهرداری آمل  
سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مناقصه درج گردیده است.

**نمایر:** ۰۱۱-۴۴۲۵۹۴۹۷ **تلفن:** ۰۱۱-۴۴۲۲۹۰۰۱

**علی داودی - شهردار آمل**

## اختصاصی خراسان

در امتداد تاریکی

## سرگذشت نوجوان هروئین فروش

نمی دانم این بسته های هروئین را چه کسی داخل دیوار پنهان کرده بود. وقتی من از کنار دیواری در بولوار توس مشهد در حال عبور بودم ناگهان چشمم به هروئین های جاساز لایه لای آجرها افتاد...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات نوجوان ۱۶ ساله ای است که در عملیات هماهنگ نیروهای کلانتری معراج مشهد و به اتهام توزیع مواد مخدر صنعتی به همراه راننده ۳۲ ساله یک دستگاه خودروی سواری دستگیر شده است. این نوجوان که به احتمال زیاد توسط تنه کاران مواد افیونی اغفال شده و زندگی آشفته ای دارد، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری معراج مشهد گفت: پدرم به مواد مخدر صنعتی اعتیاد داشت و مدام شیشه و کریستال مصرف می کرد اما نمی توانست هزینه های اعتیادش را تامین کند چرا که بیکار بود و کسی او را سر کار نمی برد. در این شرایط مادرم به ناچار در خانه های مردم کارگری می کرد تا مخارج زندگی و تحصیل مرا بپردازد ولی درآمد هم کفاف زندگی ما را نمی داد و به همین دلیل پدرم برای آن که هزینه های خرید مواد مخدر را بپردازد دست به سرقت می زد. او از باغ ویلاهای مردم اموالشان را می زد و دزدید و به لخران می فروخت و به ما هم کاری نداشت. من که این روزهای سخت را به چشمم می دیدم بیشتر کنجکامی شدم تا مواد مخدر مصرف کنم تا بفهمم چرا دیگران معناد می شوند! برای اولین بار در هفت سالگی زمانی که در کلاس اول دبستان تحصیل می کردم سیگار کشیدم ولی آن زمان چیزی نمی فهمیدم و به همین دلیل هم دیگر سیگار را کنار گذاشتم. خواهر بزرگ تر من از دواج کرد و به دنبال زندگی خودش رفت ولی یکی دیگر از خواهرانم هنوز مجرد است و در کنار مادر زندگی می کند. خلاصه من هم تا کلاس هفتم درس خواندم اما بعد به فکر اقدام که در بازار کار کنم و درآمد راه بیاورم و کارهای پدرم به همین دلیل هم دیگر کردم و در لحاف دو می شدم و آن ها را درون سیگار هفته دستم زد م را به خانواده ام می دادم و فقط مبلغی را برای هزینه های خودم بگه می داشتم تا این که با سوسه های دوستانم دوباره به مصرف سیگار روی آوردم حالا دیگر خودم درآمد داشتم و از کسی پول نمی گرفتم این بود که آرام آرام به مصرف حبشش و بنگ آلوده شدم و آن ها را درون سیگار استفاده می کردم. خیلی زود «ناسی» هم شدم و ناس هم مصرف می کردم به طوری که مدتی بعد روزی سه پاکت سیگار می کشیدم و بیشتر درآمد را برای خرید سیگار، حبشش و ناس می پرداختم. دیگر چیزی برای خانواده ام باقی نمی ماند. در همین روزها بود که پدرم به جرم سرقت توسط نیروهای انتظامی دستگیر و روانه زندان شد. از حدود دوسال قبل که پدرم به زندان افتاد، سختی های مادر من نیز بیشتر شد چرا که باید با همان حال بیماری باز هم برای تامین مخارج زندگی کار می کرد. در این هنگام با جوانی آشنا شدم که خودروی سواری داشت و گاهی مرا نیز سوار خودرو می کرد تا با هم دوری بزیم ولی درباره ۲۶ بسته هروئین که از من کشف شده است هیچ اطلاعی ندارم! من آن ها را از لایه لای آجرهای یک دیوار در بولوار توس پیدا کردم و بعد هم توسط ماموران پلیس دستگیر شدم و...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، در بازرسی از این نوجوان یک دستگاه گوشی تلفن همراه سرقتی و از جوان راننده خودرو نیز یک دستگاه گوشی گران قیمت دارای سابقه سرقت کشف شده است که احتمال می رود آن ها را از سارقان گوشی قاپ در قبال فروش مواد مخدر دریافت کرده باشند اما با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع و با صدور دستور ویژه از سوی سرگرد امیر رضا فعال (رئیس کلانتری معراج مشهد) بررسی های تخصصی نیروهای کارآزموده تجسس و اطلاعات کلانتری برای ریشه یابی این پرونده آغاز شده است و نوجوان ۱۶ ساله نیز برای اقدامات مشاوره ای و روان شناختی در اختیار دایره مددکاری اجتماعی قرار گرفت.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

## آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)



**دستگاه مناقصه گزار:** شهرداری آمل  
**منابع تامین اعتبار:** اعتبارات داخلی شهرداری  
**موضوع مناقصه:** پروژه نگهداری گرمخانه شهرداری آمل  
**مبلغ برآورد:** ۱۴/۶۳۵/۳۰۵/۴۱۲ ریال  
**مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۷۲۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال  
**نوع تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانت نامه بانکی در وجه شهرداری آمل و یا وجه نقد به حساب شماره ۰۱۵۷۸۶۲۴۶۰۵، بنام شهرداری آمل  
سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مناقصه درج گردیده است.  
**مهرلت و محل دریافت اسناد مناقصه:** از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم بمدت ۵ روز در سامانه

**نمایر:** ۰۱۱-۴۴۲۵۹۴۹۷ **تلفن:** ۰۱۱-۴۴۲۲۹۰۰۱

**علی داودی - شهردار آمل**